

داستان های پسران شگفت انگیز

تیمه های دربار پسرانی که دنیا را تغییر دادند

نویسنده: بن بروکس

ترجمه: ایلناز شیرعلیان و ترگل شیرعلیان

انتشارات جاودان خرد

مشهد - ۱۳۹۷

فهرست

۶۰	ادی آیکوا. نجات غریق	۱۰	احمد هاشم . شناگر
۶۲	ایجن سرنان. فضانورد	۱۲	آی وی وی . نقاش
۶۴	فاویو چاوز. موسیقیدان	۱۴	آلن تورینگ . فیلسوف، ریاضیدان و رمزنگار
۶۶	فرماندهان ارتش	۱۶	آرتور رمبو . شاعر
۶۸	فردریک داگلاس. دیپلمات و نویسنده	۱۸	بالدوین چهارم. پادشاه اورشلیم
۷۰	گاليله. دانشمند و مخترع	۲۰	باراک اوباما. رئیس جمهور امریکا
۷۲	جرج ششم. پادشاه انگلستان	۲۲	بنجامین زفانیا. شاعر
۷۴	گیزلین رازا. مدافع حقوق کودکان	۲۴	بیل گیتس. مدیر عامل مایکروسافت
۷۶	بچه های مدرسه هنس	۲۶	بویان اسلات. مخترع کارآفرین
۷۸	اقبال مسیح. مبارز حقوق کودکان	۲۸	پسران کالج ایسکا
۸۰	ایشیرو هوندا. کارگردان	۳۰	کین مونروی. کارآفرین
۸۲	جیم اسکالانت. معلم	۳۲	کارل لینه. گیاه شناس
۸۴	جیمز ارل جوینز. بازیگر و صدای پیشه	۳۴	چارل فوریه. مدافع حقوق زنان
۸۶	جیمی اولیور. آشپز	۳۶	چسلی سولنبرگ. خلبان
۸۸	جایلین آرلوند. مدافع حقوق کودکان	۳۸	کریستین مک فیلامی. مدافع حقوق کودکان
۹۰	جان دومینیک بوبی. سردبیر مجله مد، نویسنده	۴۰	کریستوفر پائولینی. نویسنده
۹۲	جسی آیزنبرگ. بازیگر	۴۲	کنفوسیوس. حکیم و سیاست مدار
۹۴	جیم هنسن. عروسک گردان	۴۴	دنیل آنتونی. پدر سوزان آنتونی رهبر حقوق مدنی
۹۶	جان کارلوس وتامی اسمیت. ورزشکار	۴۶	دن کراس. مدافع حقوق حیوانات
۹۸	جان گرین. نویسنده و وبلاگر	۴۸	دنیل رادکلیف. بازیگر
۱۰۰	جان لنون آهنگساز، شاعر، خواننده و طرفدار صلح	۵۰	دنیل تامت. دانشمند
۱۰۲	جان تیندال ، فیزیکدان	۵۲	دیوید اتنبرو. طبیعت شناس و مستند ساز
۱۰۴	جرج مونوز، نیکوکار	۵۴	درک ردموند. دهنده
۱۰۶	جوزف ریزل، مبارز، قهرمان ملی	۵۶	دن مکفرسون. بازیکن فوتبال
۱۰۸	شف جوزف ، رئیس قبیله بومی آمریکا، مبارز	۵۸	دینامو. شعبده باز
۱۱۰	کن بینگ ، معمار		
۱۱۲	لیونل مسی ، فوتبالیست		
۱۱۴	لوییس آرمسترانگ ، نوازنده جاز		
۱۱۶	لوییس بریل ، مخترع سیستم خواندن و نوشتن نابینایان		

۱۷۶	مرد تانکی ، مبارز
۱۷۸	تنزینگ نور گای، کوهنورد
۱۸۰	توماس ادیسون، مخترع
۱۸۲	ترور نوح ، طنز پرداز ، نویسنده
۱۸۴	یوآکوک ، مخترع زبان
۱۸۶	وردن اسمالوویچ ، موسیقیدان
۱۸۸	وینست ونگوگ، نقاش
۱۹۰	ویلیام کامکوابا ، مخترع
۱۹۲	ویلیام مولتون مارستون، نویسنده

۱۱۸	لودویگ ون بتهوون، موسیقی دان
۱۲۰	لوئیجی کیوتی، مبارز اجتماعی
۱۲۲	ماهاتما گاندی ، رهبر سیاسی و معنوی
۱۲۴	موحد آلتراد ، تاجر و سرمایه گزار
۱۲۶	محمد علی کلی ، بوکسور
۱۲۸	نیف آل موتاوا، نویسنده
۱۳۰	نیل دگراس تیسون ، فیزیکدان
۱۳۲	نلسون ماندلا، رییس جمهور آفریقای جنوبی
۱۳۴	نیکولاس وینتون ، بشردوست
۱۳۶	نیک وی آویچ ، سخنران انگیزشی
۱۳۸	نیکلا تسلا ، مخترع و دانشمند
۱۴۰	اسکار وایلد، شاعر
۱۴۲	پچ آدامز، پزشک
۱۴۴	پرسی شلی، شاعر
۱۴۶	فیلیپ زیمباردو ، روان شناس
۱۴۸	رالف لورن، طراح لباس
۱۵۰	ریک او بری، مدافع حیوانات
۱۵۲	ریک ون بک ، ورزشکار
۱۵۴	رولد آمونت سن، کاوشگر
۱۵۶	رولد دال ، نویسنده
۱۵۸	رایان هرلجیک، مدافع حقوق بشر
۱۶۰	سالوادور دالی، نقاش
۱۶۲	سیذارتا گوتاما ، بنیان گذار دین بودا
۱۶۴	استیون هاوکینگ ، فیزیک دان
۱۶۶	استیو اروین ، جانور شناس
۱۶۸	استیون اسپیلبرگ، کارگردان
۱۷۰	استورمزی، خواننده رپ
۱۷۲	سوامپی، فعال محیط زیست
۱۷۴	تایکا وایتیتی ، کارگردان

احمد هاشم ورزشکار

صبح یک یکشنبه آرام در شهر کیپ تون، احمد و برادرش تاریک در ساحل در حال تمرین برای شرکت در امتحان نجات غریق بودند. در این امتحان چند نفر از شرکت کننده ها تظاهر می کردند که غرق شده اند و بقیه با یک قایق نجات می آمدند و آن ها را نجات می دادند. تاریک شناکنان از ساحل دور شد و بعد یک جا ماند. اما احمد در فاصله نزدیک تری از ساحل در آب ماند. هر دو منتظر بودند تا نجات داده شوند.

در همان لحظه احمد متوجه عبور یک موجود بزرگ از کنار برادرش شد. در ابتدا متوجه نشد که آن موجود چیست تا زمانی که باله بزرگ آن آب را به سرعت شکافت. آن یک کوسه بزرگ سفید بود.

احمد دیوانه وار در آب دست و پا می زد. روش او جواب داد و توجه کوسه به سمت او جلب شد و قایق نجات توانست به سمت تاریک برود و او را نجات دهد. کوسه به دنبال احمد رفت و دیگر وقتی نبود تا احمد خودش را به قایق نجات برساند. آرواره های کوسه باز بود و دندانهای تیز و درنده او دیده می شد. احمد سعی می کرد فرار کند اما نمی توانست. او به پایین نگاه کرد و متوجه شد که پایش در دهان کوسه است.

در همان لحظه دست برادرش در بالا ظاهر شد و او را به درون قایق کشید. وقتی احمد در بیمارستان به هوش آمد خیلی ناراحت و افسرده شد. او پایش را از دست داده بود. احمد عاشق ورزش و شنا بود و حالا چطور می توانست با یک پا آن کارها را انجام دهد.

بعد از مدتی او به دیدن یک قهرمان ورزش به نام «ناتالی دو تویت» رفت. ناتالی پایش را در هفده سالگی از دست داده بود و حالا او یک شناگر حرفه ای پارالمپیک بود و توانسته بود سه مدال در مسابقات به دست بیاورد. ناتالی به احمد گفت که او هم می تواند این کار را انجام دهد. احمد این کار را کرد و در نهایت او هم توانست در مسابقات پارالمپیک مدال بگیرد. وقتی که او در مسابقه فینال برنده شد تماشاگران یک صدا او را تشویق می کردند و می گفتند: پسر کوسه ای! پسر کوسه ای!

آی وی وی نقاش

خودتان را در یک اتاق خالی خاکستری به بزرگی یک کلیسا تصور کنید که صد میلیون دانه گل آفتابگردان در آنجا باشد. حالا تصور کنید که همه آن دانه های آفتابگردان جوانه بزنند. اما چطور می شود این گل های آفتابگردان واقعی نباشند و توسط یک آدم نقاشی شده باشند؟

چیزی که همین الان در ذهنتان تصور کردید یکی از معروف ترین آثار هنری آی وی وی است. آثار هنری او از کنار هم گذاشتن میلیون ها اثر هنری کوچک تشکیل شده است، درست همانطور که کشور چین از ۱/۳ میلیارد انسان و کل کره زمین از هفت میلیارد انسان تشکیل شده است. هدف آی وی از خلق آثار هنری مبارزه برای آزادی است. در چین، جایی که او زندگی می کند مردم از آزادی به اندازه کشورهای دیگر دنیا برخوردار نیستند.

برای مثال وقتی آی وی از عملکرد دولت چین در وبلاگش انتقاد کرد دولت وبلاگ او را بست. دولت تلفن های او را شنود می کرد و در خیابان او را تعقیب می کردند. بعد از آن آی وی شروع به حرف زدن از طریق هنر کرد. دولت چین پول کمی صرف درست کردن مدارس برای بچه ها کرده بود و به همین دلیل آن ها خیلی نا امن ساخته شده بودند. وقتی زلزله آمد مدرسه ها خراب شدند، بچه ها زیر آوار ماندند و هزاران بچه کشته شدند. وقتی آی وی می خواست به این موضوع اعتراض کند و آن را به گوش همه برساند پلیس به او هشدار داد و تلاش کرد او را ساکت نگه دارد. او هم چون وسیله ای در دست نداشت از ورقه های اسکنی که در بیمارستان از مغزش گرفته شده بود برای خلق یک اثر هنری اعتراض آمیز استفاده کرد.

آی وی حق نداشت از خانه خارج شود. کارگاه او سوزانده شد و حتی به مدت هشتاد و یک روز زندانی شد. او برای این که خشمش را نسبت به دولت نشان دهد در یک حرکت اعتراضی از خودش در حال خرد کردن یک کوزه قدیمی با ارزش یک میلیون دلاری که قدمت ۸۰۰ ساله داشت فیلم گرفت.

او در فیلم گفت: درست است که ما مثل دانه های کوچک گل آفتابگردانیم اما همگی بخشی از یک رویش عظیم هستیم.